



یادداشت

بازنشستگان و کارگران با شرکت در تحریم انتخابات به این محاکمات پاسخ خواهند داد!

صادق کار



شعبه ۲۶ بیدگاه ضد انقلاب حاکم در این هفته و در بحبوحه فریاد وای مستضعفان کاندیدا های دست چین شده بیت رهبری یک فعال پیگیر دیگر حقوق زحمتکشان را به زندان، شلاق و جریمه نقدی محکوم کرد. یگانه دلیل این محکومیت سنگین و ظالمانه تلاش اسماعیل گرامی برای بهبود وضعیت معیشتی میلیونها بازنشسته تامین اجتماعی و رهایی آنها از زیر خط فقر تحمیلی حکومت فاسد و غارتگر که نامزدهای دستچین شده ریاست جمهوری هم ادعای آن را دارند بوده است. وقتی که مدعیان دروغین معیشت مردم در راس نهادهایی قرار دارند که اسماعیل گرامی ها را به بند می کشند و به شلاق می بندند، هیچ کس نه گول ادعای فریبکارانه آنها را می خورد و نه در انتخاباتی که موجب تقویت موقعیت ستمگران و جنایتکاران خواهد شد شرکت خواهند کرد.

بازداشتهای پیاپی فعالین صنفی و محاکمات و محکومیت های سنگینی که درست در ایام انتخابات فرمایشی برای آنان توسط پاسداران استنمار و استبداد در نظر گرفته می شود به روشنی ماهیت واقعی مدعیان عدالتخواهی و فریبکارانه بودن شعارهای امثال رئیسی ها را برملا می کند. بی سبب نیست که مردم مناظره های تلویزیونی نامزدها را در کوی و برزن به تمسخر می گیرند و در پی هر مناظره ای عده بیشتری به صفوف تحریم کنندگان انتخابات فرمایشی می پیوندند.

بازنشستگان اولین گروه از زحمتکشان بودند که ماه ها پیش از شروع مناظره های به اصطلاح انتخاباتی بر حسب تجربه از ماهیت انتخابات در رژیم فقه ها بطور علنی و با صدای رسا اعلام کردند در انتخابات فرمایشی رژیم شرکت نخواهند کرد و با شعار ما دیگه رای نمی دیم به استقبال تحریم انتخابات فرمایشی شتافتند. گروه های مزدبگیر نیز به دنبال بازنشستگان رسماً و علناً اعلام کردند در انتخابات فرمایشی شرکت نخواهند کرد. انعکاس فریاد تحریم انتخابات از سوی بازنشستگان در جامعه فقر و استبداد زده چنان پژواکی پیدا نمود که موجب خشم و ترس حکومت گردید. متعاقب این رویدادها موج تازه ای از بگیر و ببند رهبران و سازمانگران اعتراضات توسط عمال سرکوب رژیم شروع شد که در موسم انتخابات گذشته قبل از پایان رای گیری ها سابقه نداشت.

اسماعیل گرامی بواسطه نقشی که در سازماندهی برخی تشکلهای مستقل بازنشستگان و ایجاد همانگی بین تشکلهای بازنشستگان و سایر گروه های مزدبگیر به عهده داشت جز اولین مبارزانی بود که دو ماه پیش توسط قرارگاه ثارالله



سپاه در منزلش دستگیر شد. محکوم کردن اسماعیل گرامی از سازمانگران اعتراضات به حق بازنشستگان به چنین حکم سنگینی چیزی جز انتقام جویی از زحمتکشان و کشیدن خط و نشان برای آنها نیست. اینک اکثر کسانی که چنین احکامی برای زحمتکشان صادر می کنند و مامورانی که آنها را بازداشت می کنند و زندانبانان و شلاق بدستانی که چنین احکامی را به اجرا می گذارند، همگی از وابستگان و مرتبطين با جریانی هستند که قصد برکشیدن رئیسی به مقام ریاست جمهوری را دارند. مجازات شلاق یک نوع مجازات قرون وسطایی است که علیه بردگان اعمال می کرده اند و ده ها سال است که تنها در رژیم های استبدادی امثال رژیم فقها بعنوان وسیله شکنجه مورد استفاده قرار می گیرد. اما پیشتر می و رذالت دستگاه قضایی به حدی است که این نوع شکنجه را بصورت قانون در آورده و و آنرا علیه محکومین اعمال می کند. پیام صدور ۷۴ ضربه شلاق برای یک مبارز کارگری ۶۷ ساله که هیچ خلاقی به غیر از طلب حق و حقوق قانونی خود و میلیونها بازنشسته فقر زده به صورت مسالمت آمیز

نکرده است، به این معنی است که حکومت نگاه برده دارانه نسبت به زحمتکشان دارد و به مانند برده داران در دوره برده داری با زحمتکشان در عصر مدرن رفتار می کند. در مورد حقوق سندیکایی و شهروندی زحمتکشان نیز همین نگاه حاکم است. فقر و فلاکت کنونی زحمتکشان و بی قانونی و بی حقوقی آنها نیز نتیجه همین نگاه است.

دوران محکوم و تقبیح کردن اعمال این چنینی رژیم به سر آمده است. این محکوم کردنها تا کنون نتوانسته اند تغییری در رفتار سرکردگان استبداد و استثمار بوجود آورند. با این وصف رژیم با این بازداشتها و محکوم کردن ها نه تنها نمی تواند خللی در اراده استوار زحمتکشان جهت تحریم انتخابات و دست کشیدن زحمتکشان از حق و حقوق شان بوجود آورد، بلکه با رفتارهای ددمنشانه اش زحمتکشان را در پیگیری حقوق شان مصمم تر خواهد کرد. بازنشستگان و مزدبگیران با تحریم گسترده تر انتخابات و فعالیت بیشتر برای تشویق همکاران، بستگان و سایر شهروندان به مشارکت در تحریم انتخابات فرمایشی نسبت به صدور احکام ظالمانه علیه رهبران و سازمانگران مبارزات خود به بانیان و مجریان آنها پاسخی شایسته خواهند داد.



به سرکوب سندیکاهای کارگری پایان دهید!



ویروس نابرابری

گزارش ژانویه ۲۰۲۱ سازمان آکسفام بخش هفتم و پایانی



مردم خواهان دنیای بسیار متفاوتی اند - ادامه

۳. جهانی بدون استثمار و با تضمین درآمد

در درجه‌اوی باید مانع از وقوع نابرابری شد. به این منظور کسب و کار باید در راستای اولویت دادن به جامعه - به جای پرداختهای هنگفت به سهامداران ثروتمند - دوباره طراحی شود. درآمدها باید تضمین شوند و حقوق حداکثر باید تعیین و اعلام شود. میلیاردرها نشانه‌ای از یک اقتصاد وامانده اند. به ثروت افراطی باید پایان داده شود.

ویروس کرونا به ما نشان داد که تضمین درآمدهای قابل اتکا امری اساسی است، و نشان داد که غلبه بر فقر ممکن است. برای این که این هدف تحقق یابد، ما نیازمند صرف دستمزدی بخورونمیر نیستیم، بلکه همچنین باید از امنیت مستحکم شغلی، با حقوق ایام بیماری، بیکاری، ازکارافتادگی و بازنشستگی، حق اولاد و از این دست برخوردار باشیم.

حکومتها همچنین باید کار کم پرداخت یا بدون پرداخت تیمار و نگهداری را، که تقریباً بالتمامه توسط زنان و خاصه زنان "نژادزده" انجام می‌شود، دریابند، از آن بکاهند و دست به بازتوزیع آن بزنند.

در بریتانیا، مطالعات انجام یافته توسط "مرکز مطالعات درآمدهای بالا" نشان داده اند که اعمال حداکثر حقوق برابر صد هزار پوند (بیش از صدوسی هزار دلار) از قدرت بازتوزیع معادل ۱ میلیون شغل برخوردار است. یعنی اگر ثروتمندان فقط اندکی کمتر درآمد داشته باشند، از فقر توده گیر می‌توان جلوگیری کرد.

۴. جهانی که در آن ثروتمندان سهم عادلانه‌ی مالیات‌شان را می‌پردازند

بحران ویروس کرونا نقطه عطفی را در لزوم تجدید مالیات‌گزاری بر ثروتمندترین اشخاص حقیقی و حقوقی رقم زد. ما در نگاه به گذشته باید به این بحران به عنوان لحظه‌ای که سرانجام به بستن مالیاتهای عادلانه به ثروتمندان



آغاز کردیم، به عنوان لحظه ای که "مسابقه قهقرائی" خاتمه یافت و "مسابقه اعتلائی" آغاز شد، بنگریم. این مالیات گزاری می تواند شامل مالیات تصاعدی بر دارائی، مالیات بر مبادلات مالی، و پایان دادن به فرار مالیاتی باشد. مالیات تصاعدی بر ثروتمندترین اعضای جامعه سنگ بنای هر ترمیم عادلانه وضع پس از بحران خواهد بود که سرمایه گذاری در آینده ای سبز و عادلانه را میسر می سازد. آرژانتین با تصویب "مالیات همبستگی موقت" برای افراد بسیار ثروتمند راه را نشان داده است. این مالیات می تواند بیش از ۳ میلیارد دلار برای پرداخت هزینه های ویروس کرونا، از جمله تجهیزات پزشکی و کمک به افراد فقیر و مشاغل کوچک تولید کند.

مالیات بر سود مازاد کسب شده توسط شرکت های بزرگ در طی دوران ویروس کرونا می تواند ۱۰۴ میلیارد دلار به بار آورد: این مبلغ برای تأمین حق بیکاری برای همه کارگران، حمایت مالی برای همه کودکان و افراد مسن در فقیرترین کشورها کافی است.

5. جهانی با سلامت اقلیمی

بحران آب و هوا و اقلیم اکنون بزرگترین تهدید برای موجودیت بشر است. این بحران هم اکنون در کار نابودی امکان معیشت بسیاری از مردمان، و کشتار فقیرترین انسانها، محرومان از نظر اقتصادی و جماعتی است که تاریخاً تحت ستم بوده اند. در این میان بیشتر از همه در معرض این آسیب ها هستند.

برای پیشگیری از این فجایع، ما باید یک اقتصاد سبز را بنا کنیم که مانع از تخریب بیشتر سیاره ما گردد و آن را برای فرزندان مان حفظ کند. ما باید به تمام یارانه هایی که به سوخته های فسیلی پرداخت می شوند، به کار شرکت های مشغول در اقتصاد سوخت فسیلی، و به سودبری هنگفت سهامداران ثروتمند این شرکتها از محل کمک های دولتی پایان دهیم. مبارزه علیه نابرابری و مبارزه برای عدالت اقلیمی مبارزه واحدی اند. پاندمی به ما نشان داده است که انجام اقدامات گسترده توسط حکومتها در مواجهه با بحران کاملاً میسر است. ما برای پیشگیری از نابودی اقلیم باید شاهد همچنان سطح گسترده ای از اقدامات باشیم.

آینده به انتخابهای امروز ما بستگی دارد

ما در نقطه عطفی در تاریخ بشر به سر می بریم: لحظه ای که قطعاً در "کتاب های" تاریخ نوشته خواهد شد. ما نمی توانیم به دنیای وحشیانه، نابرابر و ناپایداری که ویروس کرونا ما را در آن یافت، برگردیم. انسان دارای استعدادی باورنکردنی، ثروتی عظیم و تخیلی بدون مرز است. ما باید این دارایی ها را برای ساختن یک اقتصاد انسانی برابرتر که همه و نه فقط افراد ممتاز از آن بهره مند شوند، به کار گیریم.

پایان

بیمه ی بیکاری برای بیکاران!



تشکلهای حکومتی دوش به دوش بسیج و تشکلهای کارفرمایی در حمایت از انتصاب رئیسی جنایتکار!

صادق



فرامرز توفیقی (رئیس کمیته دستمزد قانون عالی شوراهای اسلامی کشور) که یک تشکل حکومتی است در گزارشی که در ۲۴ خرداد در خبرگزاری ایلنا منتشر شد. به سختی بر نامزدهای انتخابات فرمایشی بخاطر نداشتن برنامه در مورد کارگران و مطالبات آنها تاخته و اظهار ناامیدی کرده است. او همچنین وعده‌های نامزدها را معضل ساز خوانده است. توفیقی گفته است:

طبقه‌ی کارگر از شنیدن ادعاها و اظهارات کاندیداهای ریاست جمهوری به راستی ناامید و مایوس شده است؛ چشم‌انداز پیش رو روشن نیست؛ از این‌ها هیچ آبی برای کارگران گرم نمی‌شود؛ هیچ برنامه‌ای برای حل معضلات ندارند که هیچ، برنامه‌هایشان همگی معضل‌ساز است! در گزارش انتقاداتی از این دست به وفور در خصوص برنامه‌ها و شعارهای نامزدها و مطالبات متعدد کارگران که در برنامه هیچ یک از نامزدها به آنها توجه نشده دیده می‌شود. اما گزارش بدون نتیجه‌گیری از صحبت‌های توفیقی بدون ارائه هیچ رهنمودی مانند یک ذکر مصیبت تکراری که نویسنده در آنها مهارت یافته به پایان می‌رسد و خواننده می‌ماند وسط صحرای کربلا که با این شمر و یزدیها زمانه چه باید بکند! رهنمود را اما دوستان و رفقای آقای توفیقی به اتفاق ایشان در اعلامیه‌ای که امضای همه تشکلهای حکومتی از خانه کارگر گرفته تا کانون شوراهای اسلامی و سازمان‌های کارفرمایی ذیل آن آمده است در صفحه دیگری از همین خبرگزاری داده‌اند.

بیانیه‌ی مذکور که با عنوان دعوت از کارگران و کارفرمایان به شرکت در انتخابات و با امضای (سازمان بسیج کارگران و کارخانجات کشور، کانون عالی انجمن‌های صنفی کارفرمایی کشور، جامعه اسلامی کارگران کشور، کانون عالی انجمن‌های صنفی کارگران کشور، کانون عالی شوراهای اسلامی کار کشور و کانون عالی کارگران بازنشسته کشور) منتشر شد می‌خوانیم:

ما تشکل‌های کارگری و کارفرمایی با تاسی از امام راحل عظیم‌الشان (ره) و رهبر فرزانه انقلاب اسلامی، ضمن شرکت فعال در این انتخابات، از آحاد ملت شریف و بزرگوار ایران اسلامی به ویژه جامعه شریف کارگری- کارفرمایی به عنوان پرچمداران ولایتمداری و حماسه‌آفرینی، دعوت می‌نماییم تا با شور و نشاط انقلابی، همچون



گذشته بصیرت خود مبنی بر پابندی به نظام را در روز جمعه، ۲۸ خرداد با خلق حماسه سیاسی در انتخابات به اثبات رسانند.

حسن حبیبی از روسای کانون عالی شوراهای اسلامی و از حامیان ابراهیم رئیسی و علیرضا محبوب دبیر کل خانه کارگر نیز از کارگران خواسته‌اند که در انتخابات شرکت کنند. با این وجود آنها که از پاسخ گرفتن دعوتشان از سوی کارگران مایوس شده‌اند به حکم وظیفه و سفارش رهبر شان جهت گرم کردن تنور انتخابات به بسیجی‌ها و کارفرمایان متوسل شده‌اند. این در حالی است که هم بسیج و هم کارفرمایان قبلاً نسبت به رئیس جمهور منتسب اظهار وفاداری کرده‌اند. ظاهر ردیف کردن این اسامی جهت بزرگ کردن بیانیه بوده است. از فحواى بیانیه چنین بر می‌آید که ابراهیم رئیسی کاندیدای مشترک همه این مجموعه بوده باشد.

تناقضات در این بیانیه البته بسیارند. یکی از درشت‌ترین تناقضات همراهی تشکلهای کارفرمایی و خانه کارگری هاست. این هم داستانی در ارتباط با انتخابات در حالی است که بین کارگران و کارفرمایان تضاد منافع عمیقی وجود داشته و دارد و سازمانهای کارفرمایی به همراه دولت نقش مخربی در بی حقوق سازی کارگران و سرکوب مزدی به عهده داشته‌اند. این هم داستانی آنهم در شرایطی که تلاشهای سازمانهای کارفرمایی در ماه‌های اخیر به اوج خود رسیده و کارفرمایان می‌خواهند همه مقررات قانونی از دستمزد گرفته تا بیمه‌های اجتماعی را با همکاری دولت جدید تعدیل کنند ماهیت ارتجاعی این تشکلهای و حکومتی بودن آنها را بیش از پیش برملا می‌کند. فرامرز توفیقی درجایی از نوشته اش، از بی توجهی نامزدها به دستمزدهای زیر خط فقر و "لغو دادنامه ۱۷۹ دیوان عدالت ... دادنامه‌ای که ماده ۷ قانون کار را از اساس از معنا تهی کرده و به زباله‌دان افکنده است شکایت می‌کند، اما در همان حال با کارفرمایانی که باعث صدور این بیداد نامه شده‌اند، متحد می‌شود و بیانیه مشترک می‌دهد و می‌خواهد به کاندیدایی رای دهد که در دشمنی اش با حقوق کارگر جای هیچ شک و شبهه‌ای نیست! سرپای این بیانیه ارتجاعی علیه حقوق کارگر و مردم، به سود سرمایه داران و کارفرمایان رانتخوار و دلال، دشمنان و سرکوبگران طبقه کارگر و ابراهیم رئیسی قاتل هزاران مبارز راه عدالت و آزادی است. با این همه نه کارگران وقعی به این دعوت خواهند نهاد و نه از تشکلهای حکومتی انتظاری جز این می‌توان داشت. آنها مامورند و معذور! (از کوزه همان برون تراود که در اوست)



خصوصی سازی را متوقف کنید!



گذر و نظری بر رویدادهای کارگری هفته

جنگ کارگری



تجمع اعتراضی کارگران لوله سازی خوزستان

کارگران کارخانه لوله سازی خوزستان در ۱۹ خرداد به دلیل نداشتن امنیت شغلی اعتراض نمودند. افزون بر آن کارگران نسبت به فروش وسایل کارخانه و ندادن به موقع دستمزدهای خود که با ۳ الی ۴ ماه تاخیر پرداخت می شود معترض اند. آنها فروش وسایل کارخانه را مقدمه ی تعطیلی کارخانه تعبیر می کنند و نگران آن هستند.

رکود و بلاتکلیفی هیکو باعث نگرانی و اعتراض کارگران شد!

در ۱۹ خرداد گزارشی به نقل از کارگران ماشین سازی هیکو که مدتی پیش به تامین اجتماعی واگذار شد در خبرگزاری ایلنا منتشر شد که حکایت از تداوم رکود و بلاتکلیفی این کارخانه بزرگ صنعتی دارد. مشکل عمده بر سر راه خروج این کارخانه از رکود عدم اختصاص اعتبار بانکی لازم جهت بازگرداندن آن به ریل تولید است. اختصاص ندادن اعتبار مالی در حالی است که قبلاً مسئولین بر سر آن با کارگران این کارخانه توافق کرده بودند. به نظر می رسد دولت که شدیداً از سیاست خصوصی سازی دفاع می کند به جهت زمینگیر کردن کارخانه بعد از واگذاری به تامین اجتماعی کارشکنی می کند. در واقع صنعت و تولید کشور به همراه حقوق کارگران وجه المصالح رقابت جناح های رقیب بر سر سهم آنها از غارت منابع ملی قرار گرفته و مسئله ای که در این میان برای هیچ کدام از جناحها اهمیت ندارد منفعت و مصلحت مردم و کشور است.

ادامه مبارزات کارگران ابنیه فنی راه آهن

کارگران ابنیه فنی راه آهن (شرکت تراورس) شاغل در بخش جنوب شرق کشور، بار دیگر در ۱۹ خرداد در اعتراض به یک رشته مطالبات پاسخ داده نشده شان به اعتراض برخاسته و خواهان اجرای آنها شدند. افزایش دستمزد و پرداخت منظم دستمزدها، اجرای طرح طبقه بندی مشاغل، افزایش مدت قراردادهای و رفع تبعیضات مختلف میان کارگران رسمی و غیر رسمی، از مطالبات کارگران معترض هستند.

سومین تجمع معلمان مدارس خصوصی مقابل مجلس



معلم‌ان مدارس خصوصی در ۱۸ خرداد برای سومین بار در اعتراض به بی توجهی به مطالبات برحق شان مقابل مجلس تجمع و خواستار رسیدگی به خواسته های خود شدند. استخدام و رهایی از بلاتکلیفی شغلی، پرداخت حقوق و مزایای برابر با معلمان رسمی و رفع تبعیضات مزدی و شغلی، مهمترین خواسته های معلمان در هر سه تجمع آنها هستند. گفتنی است که در این هفته چند تجمع دیگر توسط معلمان و مربیان آموزشی غیر رسمی که برای آموزش و پرورش کار می کنند، اما از حقوق کمتر و شرایط شغلی نا امنتری نسبت به معلمان رسمی برخوردار هستند در چند شهر از آن جمله ایزه برگزار گردید.

بازداشت کارگران شهرداری کوت عبدالله به خاطر طلب دستمزد!

کارگران شهرداری کوت عبدالله در ۱۷ خرداد در حالیکه هفتمین روز اعتصاب خود را می گذراندند در اعتراض به بازداشت تعدادی از همکاران شان که بواسطه شرکت در اعتصاب به جهت پرداخت نشدن طلب مزدی شان بازداشت شده بودند مقابل دادگاه کارون تجمع و خواستار آزادی همکاران زندانی خود شدند. گفتنی است که کارگران شهرداری کوت عبدالله قبل از این نیز چند مرتبه اعتراض کرده بودند و به کرات به اداره کار و دیگر نهادهای دولتی شکایت برده بودند ولی هیچکدام آنها به شکایت کارگران ترتیب اثر نداده بودند. این تجمع بعد از دادن قول آزادی فوری کارگران زندانی خاتمه یافت. کارگران نسبت به پرداخت نامنظم و قطره چکانی دستمزد، حق سنوات و عیدی سال گذشته خود و نحوه تنظیم فیشهای حقوقی و پرداخت مطالبات مزدی شان به صورت علی الحساب معترض هستند.

بازداشت ۹ کارگر شهرداری در اهواز بخاطر درخواست طلب مزدی!

در ۱۵ خرداد ۹ کارگر شهرداری منطقه ۳ اهواز به دلیل شرکت در اعتصابی که در اعتراض به پرداخت نشدن مطالبات مزدی شان مطابق مصوبه قانونی دستمزد انجام گرفت بازداشت شدند.

شاکی این کارگران ظاهراً شرکت پیمانکاری است که طرف قرارداد شهرداری است. گفتنی است که ۷ تن از کارگران بازداشتی تا کنون در اثر اعتراض کارگران آزاد شده‌اند ولی ۲ تن دیگر همچنان در بازداشت بسر می برند. بهر حال اعتصاب کارگران باعث انباشت انبوهی از زباله در شهر شد و مدیران شهرداری سرانجام سعی کردن با زور و تهدید به اعتصاب کارگران خاتمه دهند. از نتیجه اعتصاب گزارشی در دست نیست. راه دیگری هم که موثرتر از اعتصاب باشد وجود ندارد.

تاکید سندیکای کارگران نیشکر بر استقلال این سندیکا در قبال انتخابات فرمایشی

سندیکای کارگران نیشکر در این هفته با انتشار اطلاعیه ای بار دیگر بر مستقل بودن این سندیکا از جریانات سیاسی حاکم واصل بودن حقوق و خواسته های کارگران در فعالیتهای و موضعگیری های سندیکا تاکید نمود.

- اطلاعیه ظاهراً در واکنش به شرکت محمد خنیفر و یک تن دیگر از کارگران هفت تپه در ستاد انتخاباتی ابراهیم رئیسی کاندیدای اصلی حکومت در انتخابات فرمایشی ریاست جمهوری منتشر شده است. گفتنی است که محمد خنیفر و همراه دیگر او در هنگام بازگشت از ستاد رئیسی توسط افراد ظاهراً ناشناس با چاقو مورد حمله قرار گرفتند و هنگام شکایت از مهاجمین خود آنها بجای مهاجمین بازداشت شدند. افراد مهاجم با



اینکه گفته می شود ناشناس هستند ولی احتمال داده می شود که از طرف اسدیگی و دارودسته وی بوده باشند. اگر این گمانه درست باشد حکایت از تشدید درگیری های جناح های حکومتی و صف بندی آنها مقابل هم بر سر تسلط بر هفت تپه دارد. بخصوص اینکه حوادث دیگری حول و حوش هفت تپه بعد از خلع ید رخ داده که ظن دست داشتن باند اسد بیگی و جیره خوران دولتی و غیر دولتی وی را در ماجرای حمله به دو کارگر تقویت می کند. بهمین جهت انتشار اطلاعیه سندیکای هفت تپه در این شرایط می تواند تا حدود زیادی سوء استفاده هایی را که ستاد انتخاباتی رئیسی و بقیه نامزدها از حسن شهرت کارگران هفت تپه می خواهند بنماید بی اثر سازد.

ادامه تلاشهای کارگران هفت تپه برای خنثی سازی دسیسه های مالک خلع ید شده

مبارزات کارگران هفت تپه پس از خلع ید از مالکان اختلاسگر هفت تپه و حامیان رشوه خوار آنها در نهادهای حکومتی و دولتی وارد فاز جدیدی شده است. باند اسد بیگی و شرکا از زمان اعلام خلع ید تا کنون با دسیسه های مختلف سعی نموده اند کارخانه را به هر نحوی شده پس بگیرند و اگر نتوانستند امکانات بقای کارخانه را در فرصتی که برایشان باقی مانده به حدی برسانند که ادامه تولید آن را دشوار نمایند. گروگان گرفتن دستمزد کارگران، تهدید فعالین کارگری، بسیج مزدوران خود و کاهش حق آبنانه کارخانه در فصلی که مزارع نیشکر نیاز مبرم به آب دارند بخشی از این دسیسه هاست. هم از این رو اینک کارگران مبارز و آگاه هفت تپه می کوشند با مبارزات خود این دسیسه های باندهای مافیایی را بی اثر و از حقوق و دستاورد مبارزاتی خود دفاع کنند. آنها در این هفته با تظاهرات در مقابل فرمانداری شورای تامین شهر را و ادار به تشکیل جلسه و بررسی مشکل حق آبه کارخانه کردند. مرور رویدادهای بعد از خلع ید مالکیت هفت تپه و عملکرد مسئولین و کارگران در قبال آنها به روشنی نشان می دهد که کدام یک برآستی دغدغه تولید دارند و کدام یک فقط به سود خود می اندیشند و تا آنجا پیش می روند که با کارفرمای اختلاسگر و توطئه گر تا مرز زمین گیر کردن تولید همدست می شوند.

***برای تماس با نشریه "جنگ کارگری" می توانید با آدرس زیر تماس بگیرید:**

sabosob@gmail.com

***"جنگ کارگری" نشریه گروه کار کارگری حزب چپ ایران (فدائیان خلق) را می توانید در**

آدرس زیر ببینید:

<https://bepish.org/taxonomy/term/457>

دولت باید معاش تهی داستان و آسیب دیدگان کرونا را تامین کند!